



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نوره مفیدی

تاریخ: ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲

مصادف با: ۱۰ جمادالثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۳۱

موضوع کلی: علائم و نشانه‌های وثاقت راوی

موضوع جزئی: کثرت روایت

سال: سوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ما بحث مبسوطی پیرامون راه‌ها و طرق توثیق عام و توثیق خاص ذکر کردیم، سپس درباره مشایخ ثقات و کسانی که درباره آنها گفته شده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» بحث کردیم و سپس در رابطه با اشخاصی که در روایت از ثقات به ابن ابی عمیر، صفوان و بزندی ملحق شده بودن مطالبی را عرض کردیم.

#### علائم وثاقت:

از مسائلی که به دنبال مباحث گذشته لازم است مورد رسیدگی قرار گیرد بعضی از علامت‌ها و نشانه‌های وثاقت است، بعضی از امور به عنوان نشانه و دال بر وثاقت تلقی شده از جمله کثرت روایت از امام (ع) یا وکالت از امام (ع) که بعضی کثرت روایت از امام (ع) را نشانه وثاقت راوی دانسته‌اند، اینکه کسی روایات متعددی از امام (ع) نقل کند دال بر وثاقت اوست یا مثلاً اگر شخصی از امام (ع) وکالت داشته باشد، خود اینکه از طرف امام (ع) وکیل شده دال بر وثاقت اوست، پس اموری مثل وکالت و کثرت روایت از امام (ع) به عنوان نشانه‌های وثاقت راوی ذکر شده است، حال باید ببینیم آیا این امور علامت بر وثاقت راوی دارند یا نه؟ مثلاً یک راوی از امام (ع) روایات زیادی نقل کرده حال آیا می‌توان از کثرت روایت از امام (ع) توسط این شخص نتیجه گرفت این شخص ثقة می‌باشد یا نه؟

#### کثرت روایت از امام (ع)

بعضی ادعا کرده‌اند کثرت روایت از امام (ع) مطلقاً چه با واسطه باشد چه بدون واسطه، بر وثاقت راوی دلالت می‌کند. مرحوم آقای خویی در این رابطه سه روایت نقل کرده که به این روایات بر وثاقت راوی که از امام (ع) روایات زیادی را نقل کرده باشد استناد شده و بر استدلال به این روایات هم اشکال می‌کنند.<sup>۱</sup>

**روایت اول:** حَمْدَوَيْهِ بْنِ نُصَيْرِ الْكَشِّيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «اعْرِفُوا مَنَازِلَ الرَّجَالِ مِنَّا عَلَى قَدْرِ رَوَايَاتِهِمْ عَنَّا»؛<sup>۲</sup> می‌گوید امام صادق (ع) می‌فرماید: قدر و منزلت بزرگان و رجال ما را از طریق مقدار روایتی که از ما نقل کرده‌اند بشناسید. معنای این سخن این است که چنانچه روایات بیشتری از ما نقل کرده باشند از منزلت بیشتر آنها نزد ما و قرب بیشتر آنها به ما حکایت می‌کند.

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۷۵.

۲. رجال کشی، ج ۱، ص ۳.

**روایت دوم:** محمد بن سعید الکشی بن یزید و أبو جعفر محمد بن أبی عوف البخاری، قالوا: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادِ الْمُرُوزِيِّ الْمَحْمُودِيَّ رَفَعَهُ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ (ع): «اعرفوا منازل شيعتنا بقدر ما يحسنون من رواياتهم عنا، فإننا لا نعدُّ الفقيه منهم فقيهاً حتى يكون محدثاً، فقليل له: أو يكون المؤمن محدثاً؟ قال: يكون مفهماً. و المفهم محدثٌ»<sup>۱</sup>؛ طبق این روایت هم امام صادق (ع) فرموده‌اند: منازل و جایگاه شیعیان ما را به قدر آنچه که از روایات ما احسان می‌کنند بشناسید. این روایت نسبت به روایت قبلی اضافه‌ای دارد که عبارت «يحسنون من رواياتهم عنا» می‌باشد که این عبارت دال بر این است که مطلق نقل کردن روایت دلیل بر منزلت آنها نیست بلکه روایاتی ملاک است که نیکو نقل کرده باشند و احسان در روایت داشته باشند.

**روایت سوم:** إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْخُتَلِيِّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ الْقُمِّيُّ الْمُعَلَّمُ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ، قَالَ حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ الْخَطَّابِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ الْعِجَلِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَنْظَلَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «اعرفوا منازل الناس منّا على قدر رواياتهم عنّا»<sup>۲</sup>؛ طبق این روایت هم امام صادق (ع) می‌فرمایند: منازل و جایگاه مردم نزد ما را به اندازه روایاتی که از ما نقل کرده‌اند بشناسید، هر چه میزان نقل روایات آنها بیشتر باشد قرب و منزلت آنها نزد ما بیشتر است.

#### تقریب استدلال:

تقریب استدلال به روایات فوق بر وثاقت راوی به این نحو است که مستدل می‌گوید هر چه تعداد روایاتی که از امام (ع) نقل شده بیشتر باشد حاکی از این است که آن شخص به امام (ع) نزدیک‌تر و مورد اعتماد امام (ع) بوده است. اگر آن شخص ثقة و مورد اطمینان امام (ع) نبود در حلقه کسانی که پیرامون امام (ع) بوده قرار نمی‌گرفته تا بتواند از امام (ع) روایت نقل کند، پس کثرت روایت دال بر این است که شخص مورد نظر از نزدیکان و مقربین امام (ع) و مورد اعتماد ایشان بوده است لذا وثاقت راوی ثابت می‌شود.

#### اشکالات محقق خوئی:

مرحوم آقای خوئی هم از حیث سند و هم از حیث دلالت به این روایات اشکال کرده و می‌فرماید: هر سه روایت مذکور از حیث سند ضعیف‌اند؛ چون روایت دوم مشکل رفع و روایت سوم مشکل ارسال دارد و در روایت اول هم به واسطه حضور محمد بن سنان در سند روایت، سند آن اشکال دارد.

از نظر دلالت هم این روایات به هیچ وجه بر وثاقت شخص کثیر الروایة از امام (ع) دلالت نمی‌کنند؛ چون:

**اولاً:** جمله «اعرفوا منازل الرجال منا على قدر رواياتهم عنا» در صورتی بر وثاقت راوی دلالت دارد که ثابت شود روایاتی که نقل کرده‌اند از معصومین (ع) است ولی این قابل احراز نیست، چه بسا روایاتی که نقل شده و تعداد آن هم زیاد است ولو به نام معصوم (ع) است ولی ممکن است از امام معصوم (ع) نباشد و صرف ادعای اینکه من از معصوم (ع) نقل می‌کنم

۱. همان.  
۲. همان.

کافی نیست بلکه باید احراز شود که از معصوم (ع) نقل کرده است. پس روایات فوق در صورتی وثاقت راوی را ثابت می‌کند که دلالت کند بر اینکه این روایات از معصومین (ع) صادر شده در حالی که چنین چیزی قابل احراز نیست.

**ثانیاً:** بر فرض از اشکال اول صرف نظر کنیم و بگوییم روایاتی که نقل کرده‌اند از معصوم (ع) صادر شده لکن باز هم وثاقت راوی را ثابت نمی‌کند؛ چون احراز وثاقت راوی راه‌ها و طرق مشخصی دارد؛ یک راه این است که انسان علم و یقین نسبت به وثاقت راوی پیدا کند یا حجت معتبری بر وثاقت راوی قائم شود لذا کثرت روایت فی نفسه اگر مبتنی بر یک حجت معتبر نباشد یعنی مفید علم و اطمینان به وثاقت راوی نباشد یا بر اساس یک حجت معتبر نباشد به هیچ وجه بر وثاقت راوی دلالت نخواهد کرد. پس نفس کثرت روایت بر وثاقت راوی دلالت نمی‌کند بلکه احراز وثاقت راوی یک چارچوب خاصی دارد که اگر کثرت روایت در آن چارچوب قرار گیرد موجب وثاقت راوی خواهد شد. پس روایات مذکور نمی‌تواند اثبات کند که کثرت روایت نشانه وثاقت راوی است.

**مؤید:** مؤید این مطلب هم این است که روایت دومی که ذکر شد بر این مطلب تأکید دارد که مسئله وثاقت غیر از مسئله کثرت روایت است، چون در این روایت امام (ع) می‌فرماید: «اعرفوا منازل شیعتنا بقدر ما یحسنون من روایاتهم عنا» و این دلالت می‌کند بر اینکه منظور دو روایت دیگر هم مطلق کثرت روایت نیست بلکه آنچه ملاک برای قدر و منزلت راوی نزد امام (ع) می‌باشد روایاتی است که به صورت نیکو نقل کرده باشند و در نقل روایت احسان داشته باشند، لذا روایاتی ارزش دارد که به صورت نیکو نقل شود، پس در خود این روایت قرینه‌ای وجود دارد که نفس کثرت روایت بر وثاقت راوی دلالت ندارد. لذا کثرت روایت نمی‌تواند نشانه و علامت بر وثاقت راوی باشد.

«والحمد لله رب العالمین»